

# جغرافیای تاریخی رودان

## چکیده

مطالعات تاریخی مبنایی برای شناخت وضع موجود شهرهاست. تحقیق و بررسی جغرافیای تاریخی شهر، یعنی مطالعه و آگاهی از چگونگی تکامل و شکل‌گیری شهر در طی زمان برای شناخت وضعیت امروز شهر، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، امری ضروری است. جغرافیای تاریخی تجدید بنای جغرافیای یک مکان در دوره گذشته، بازسازی و بازنمود محیط جغرافیایی و مسائل فضایی مکانی بر اساس شناخت توان‌ها و امکانات منطقه برای تحلیل الگوها و فرایندهای فعلی است. در منابع جغرافیایی به دو مکان با نام رودان یکی در استان کرمان (رفسنجان) و دیگری در استان هرمزگان اشاره شده است. بنا به مستندات تاریخی رودان کرمان (رفسنجان) تحت تأثیر عوامل طبیعی و انسانی در طی تاریخ از بین رفته است. مطالعه جغرافیای تاریخی ناحیه رودان، ما را با ابهامات و چالش‌هایی روبه‌رو می‌کند نظیر اینکه «آیا وقتی جغرافی دانان قدیم در منابع سده دوم و سوم از رودان صحبت می‌کنند، منظور همین رودان فعلی است؟ موقعیت و محدوده جغرافیایی رودان قدیم و رودان جدید کجاست؟» سوالات مطرح شده عبارت‌اند از اینکه: «آیا در گذشته‌های دور، رودان یک ناحیه جغرافیایی بزرگ را شامل می‌شد؟ آیا پیوندی بین این دو مکان جغرافیایی وجود دارد؟ عوامل پیوستگی این دو ناحیه جغرافیایی چیست؟ روش مطالعه استنادی - کتابخانه‌ای و نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است. نتایج نشان می‌دهد که دو رودان در گذشته‌های دور اشتراکات و پیوند جغرافیایی داشتند و جزء یک محدوده جغرافیایی واحد یعنی مغستان، ایالت کرمان یا فارس بودند.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای تاریخی، رودان، کرمان، هرمزگان، رفسنجان

## مقدمه

گرچه درباره رودان تحقیقات و مطالعات بسیاری انجام شده است، لیکن در برخی منابع و پیشینه تحقیق سردرگمی‌هایی مشاهده می‌شود. قدیمی‌ترین آثار که به رودان، توابع مربوط به آن، کوه‌ها و قوم بارز اشاره کرده‌اند کتاب‌های جغرافی دانان اسلامی سده سوم است. علاوه بر آن‌ها سدیدالسلطنه در کتاب خلیج فارس و باستانی پاریزی در کتاب وادی هفت واد و مقاله «بزرگوه» نیز به خاستگاه و ویژگی قوم بارز پرداخته‌اند. همچنین معتمدی در کتاب رودان، بهشت جنوب به توصیف ویژگی تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی رودان پرداخته است. در این مقاله بر اساس شواهد و مدارک تاریخی با توجه به برخی معیارهای جغرافیایی طبیعی و انسانی، از جمله موقعیت جغرافیایی، ویژگی طبیعی نظیر جریان رودها، وجود رشته کوه‌ها، ملاک‌های جغرافیای انسانی، نظیر وجه تسمیه، مهاجرت، کوچ عشایر، فشار حاکمان و رویدادهای تاریخی، ایلات و گویش مشترک، تلاش می‌شود اشتراکات و افتراقات این دو رودان را بیابیم و به پیوند این دو واحد جغرافیایی پی ببریم. رودان در گذشته منطقه تاریخی وسیعی را شامل می‌شده است که عوامل مختلف انسانی و طبیعی، نظیر خشکی و کویری بودن منطقه، وجود ریگ‌های روان، مجاورت جغرافیایی، واقع شدن در مسیرهای تجاری و کاروانی، تاخت و تاز اقوام مختلف، فشار حاکمان، اقتضای زندگی ایلی - عشیره‌ای، بیلاق و قشلاق و حرکت به دنبال دام باعث مهاجرت افراد این منطقه به نواحی اطراف از جمله سواحل خلیج فارس و هرمزگان شده است. نتایج نشان می‌دهد که این دو رودان در گذشته‌های دور تحت تابعیت

یک اقلیم یا ایالت بوده و قرابت جغرافیایی - تاریخی و مراودات فرهنگی و تجاری داشته‌اند. وجود اسامی مشترک مانند رودان، جبال بارز، شهر بارز و شهر دهبازر، ایلات و قبایل و گویش‌های مشابه، اتحاد وحدت جغرافیایی این دو رودان را نشان می‌دهد. روش مطالعه استنادی - کتابخانه‌ای و نوع تحقیق، توصیفی تحلیلی است. مطالعه با استفاده از منابع و مدارک قدیم و جدید، انجام شده است.

### موقعیت و محدوده جغرافیایی

رودان، امروزه شهری در شمال شرق استان هرمزگان به مرکزیت دهبازر است که از شمال به شهرستان کهنوج (استان کرمان) و حاجی‌آباد، از شرق به شهرستان منوجان (استان کرمان)، از غرب به شهرستان بندرعباس و از جنوب به شهرستان میناب محدود می‌شود (اطلس جامع گیتاشناسی، ۱۳۸۷: ۳-۲۹). رودان رفسنجان در استان کرمان، یعنی شمال غرب رفسنجان، در محل فعلی روستای شهر آباد و ملک‌آباد و در مسیر جاده ابریشم قرار داشته که در زیر طوفان شن مدفون شده و از بین رفته است (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۲۶۹-۲۶۸؛ باستانی پاریزی، ۱۳۶۵، ج نخست: ۲۷؛ بهرامی احمدی، ۱۳۷۱: ۳۵، ۴۰ و ۷۲؛ عبداللهی‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۷ و ۷۰).

### پیشینه تاریخی

آثار تاریخی منطقه رودان حکایت از قدمت سکونت در رودان از ادوار پیش از تاریخ دارد. سنگ‌نگاره‌ای به خطوط میخی و هیروگلیف در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال شهر رودان وجود دارد که قدمت آن را به پیش از حکومت هخامنشیان (۵۵۰ تا ۳۳۰ ق م) نسبت داده‌اند. از مهم‌ترین این آثار چند قلعه و تپه باستانی است که قدمت برخی از آن‌ها به پیش از اسلام برمی‌گردد (معتمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۱-۹۷ و ۱۰۵-۱۰۳؛ پازوکی طرودی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۴۴۲؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ج ۱۲۳، ۱۳۶۲: ۲۱-۲۰).

تعیین حدود مناطق جغرافیایی در ادوار مختلف تاریخی اهمیتی ویژه دارد و مرزبندی‌های سیاسی - جغرافیایی گاه بر اتفاقات تاریخی اثر گذارده است. در گذشته‌های دور، این دو رودان زمانی جزء منطقه وسیع‌تری به نام مغستان یا هرمز باستانی یا کهنه، منطقه‌ای در دهانه رود آنامیس (رود میناب امروزی) بودند. گستردگی منطقه در آن زمان شامل مناطقی از کرمان تا قسمت‌های دریایی، یعنی تا جنوب و جنوب غربی بود. این مناطق تحت کنترل ملوک هرموز (حک. قرون سوم تا دهم) قرار داشت. آب و هوای قسمت‌های شمالی مغستان (که آن را در محل رودان فعلی ذکر کرده‌اند) تا حدود زیادی مساعد بود. به این دلیل ملوک هرمز و تجار معتبر، تابستان را در آنجا به سر می‌بردند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۸: ۴۴؛ فلور، ۱۳۶۷: ۲۰۹-۲۰۶؛ صدقاتی، ۱۳۹۱: ۹۶-۸۷).

عشایر ایل جبال بارز در ناحیه جبال بارز زندگی می‌کنند. جبال بارز، شامل ارتفاعاتی از توابع شهرستان جیرفت کرمان، از شمال به جنوب امتداد دارد و شهرستان‌های بم و جیرفت در قسمت شمال و جنوب آن قرار گرفته‌اند. پس از آنکه انوشیروان، قوم کوهستانی موسوم به بارز (اقوام همین ناحیه کوهستانی نزدیک کرمان) را به اطاعت درآورد، بازماندگان آن‌ها را به قسمت‌های مختلف کشور انتقال داد و به آن‌ها

مسکن اعطا کرد. ابن اثیر نیز که بیشتر مطالب این عهد خود را از طبری گرفته است، یادآوری می‌کند که انوشیروان حدود مملکت را تا سند، زابلستان و طخارستان رساند و با قوم بارز جنگ‌ها کرد و بقایای آن‌ها را از محل سکونتشان کوچ داد، که در آن حدود، کوهستان قفص مرکب از هفت (کوه‌بند) نودا، از آن جمله کوهستان بارز که ساکنان آن جمعی از عشایر بیابانگرد بودند که به شماره نمی‌آمدند و از حیث کثرت و خشونت که داشتند کسی نمی‌توانست بر آن‌ها چیره شود و نابودشان کند. مردم آن در تمام ایام بنی‌امیه همچنان زردشتی مانده بودند و در زمان بنی‌عباس با وجود اسلام آوردن همچنان منکر بودند تا زمان تسلط یعقوب لیث که رؤسا و پادشاهان آنان اسیر شدند و کوهستان از وجود بیابان‌گردان پاک شد (طبری، ج ۲: ۱۳۸۷: ۱۸۰؛ فرمانفرما، ۱۳۸۰: ۵۶). براساس نوشته‌های اصطخری، ابن حوقل و بلاذری، مهاجران زرتشتی به کوه‌های جبال بارز و مناطق کوهستانی اطراف پناهنده شدند و سپس به جنوب مهاجرت کردند. ناحیه رودان یکی از محدوده‌های سکونت و زندگی قوم معروف بارز از جمله طوایف و تیره‌های ساکن حاشیه جنوبی کرمان به‌شمار می‌رود و پس از پراکنده شدن، گروه‌هایی از آن‌ها در این محدوده ساکن شدند (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۲۶؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۸۰؛ بلاذری ۱۸۶۶: ۳۹۲-۳۹۱). از این روست که نام دهبازر، مرکز شهرستان رودان امروزی در استان هرمزگان از همین قوم گرفته شده است، یعنی در واقع این دو مکان جغرافیایی منشأ ایلاتی یکسان و مشترکی دارند. قبل از اسلام، دین مردم ناحیه وسیع رودان که بین ولایت کرمان و فارس قرار داشت، زردشتی بود. بزرگانی به این ناحیه آمدند و مردم را به اسلام دعوت کردند، از جمله عبدالله بن اسحاق که در زمان مستعین در قرن دوم به این ناحیه آمد، در رودان با خوارج جنگید و همراه محمدبن عبدالله بن طاهر مردم رودان را به اسلام دعوت کرد (یعقوبی، ج ۲، بی تا: ۵۹۸؛ خطیب، ۱۳۳۰: ۱۵۸، پانویس ۱). در منابع معتبر از فتح جیرفت و نواحی میان آن تا هرمز که رودان نیز از توابع آن‌ها به‌شمار می‌رفت. سخن رفته است. این مناطق در سال‌های خلافت عثمان و به‌دست مجاشع بن مسعود فتح شده بود (بلاذری، ۱۸۶۶: ۳۹۲-۳۹۱).

در دوره اسلامی رودان شهری در مرز پارس و اسپهان (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۳۶)، رکن شرقی اقلیم پارس یا حد فاصل کرمان و فارس (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۲۱) و به‌عنوان ناحیه یا شهری بزرگ، مستحکم و تسخیرناپذیر با آبادی‌های متصل به هم وصف شده (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۲۶، ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۸۰؛ حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۳۶-۱۰۴) که دارای قلعه‌ای محکم و استوار، هشت دروازه، مسجد جامع و قنات بود که اسکافیان (پیروان محمدبن عبدالله اسکافی) و معتزله در آن ساکن بودند (مقدسی، ۱۸۷۷: ۴۳۸، ۴۴۳). رودان در سده ششم از لحاظ آبادانی و بزرگی با ابرقوه برابری می‌کرده است (ادریسی، ج ۱، ۱۴۰۹: ۴۳۱-۴۲۷)؛ شهری که منبر داشت و در آن خطبه می‌خواندند و نماز جمعه برگزار می‌شد (دمشقی، ۱۸۶۵: ۱۷۶)، یاقوت حموی از قول اصطخری آن را ناحیه‌ای به طول شصت فرسخ (۳۶۰ کیلومتر) (اصطخری، ۱۹۲۷: ۹۸، یاقوت حمودی، ۱۸۶۶: ذیل موضوع) ذکر کرده است. در نتیجه با توجه به وسعت و گستردگی ناحیه رودان می‌توان دو رودان (رفسنجان کرمان و هرمزگان) را تقریباً نواحی مجاور یا خیلی نزدیک به هم دانست.

رودان گاهی تابع ایالت کرمان و گاهی تابع ایالت فارس بود. نام رودان، حداقل از قرن چهارم در منابع به‌عنوان یکی از توابع ولایت کرمان آمده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۶۳ و ۲۸۰؛ مقدسی، ۱۸۷۷: ۴۳۸-۴۳۷؛

یاقوت حموی، ۱۸۶۶: ذیل موضوع). ولایت کرمان از طرف جنوب تا کناره‌های تنگه هرمز و دریای عمان گسترش داشت که ابن حوقل و ابن فقیه حدود آن را این‌گونه بیان کردند: شرق آن، متصل به سرزمین مکران و غرب آن، ولایت فارس، شمال آن، خراسان و جنوبش به دریای فارس منتهی می‌شد (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۶۶؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۴۷). در حقیقت قسمت اعظم استان هرمزگان و به عبارتی رودان امروزی نیز، جزء ایالت کرمان به حساب می‌آمد.

ظاهراً در نیمه اول قرن چهارم در تقسیمات سیاسی حکومت آل‌بویه این ولایت از کرمان جدا و به ایالت فارس ملحق شد (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۰۱؛ مقدسی، همان). اما در دوران حکومت آل‌بارسلان سلجوقی (۴۶۵-۴۵۵) که ایالت کرمان به قاورُد (۴۶۶-۴۴۲) سپرده شد، بار دیگر رودان به تابعیت ایالت کرمان درآمد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۲۱؛ عبداللهی‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶). در سال ۵۸۳ ق لشکر عُز به کرمان و رودان تسلط یافتند و در زمان حکومت ترکان بر کرمان در سال ۶۸۳ ق سلطان جلال‌الدین تا سرحد کرمان پیش رفت و اشراف کرمان، رودان را به وی تفویض کردند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۲۱؛ شاه بلخی، قسم دوم، ۱۳۷۳: ۶۹۹-۶۹۸، منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۸، ۵۵ و ۵۹). در سال ۷۱۳ ق جنگ سختی در رودان اتفاق افتاد که مردم بسیاری کشته شدند و بسیاری نیز از دیار خود به اطراف گریختند و دیگر بازنگشتند (فرمانفرما، ۱۳۸۰: ۳۷۰). در دوره حکومت آل مظفر، سپاه محمد مظفر مبارزالدین در سال ۷۴۱ بر کرمان و رودان رفسنجان مسلط شد ( مؤلف ناشناخته، تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۶۶؛ باستانی پاریزی، ج نخست، ۱۳۶۵: ۹۶). نام رودان همچنان تا قرن هشتم به‌عنوان یکی از ولایات کرمان در منابع آمده است، اما ظاهراً جنگ بین امیر مبارزالدین محمد مظفر (حک: ۷۶۵-۷۱۳) با یکی از یایگان در سال ۷۴۶ ق در این منطقه (حافظ ابرو، ج ۱، ۱۳۷۵: ۱۷۴) و به‌ویژه تاخت و تاز شاه منصور (حک: ۷۹۵-۷۹۳) از شاهان آل مظفر (باسورث، ۱۹۹۶: ۲۶۴) در حدود سال ۷۹۴ ق ویرانی ولایت را در پی داشت (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۳۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۲۵؛ مستوفی بافقی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۱۵۶). از آنجا که آبادانی شهرهای بیابانی به تأمین امنیت راه‌های بازرگانی وابسته بود و به‌دلیل هجوم اقوام از اطراف از جمله قوم بلوچ، هر روز از کاروان‌های تجاری که راهی فارس، سیستان و سپاهان بودند و از رودان می‌گذشتند و چهره تجاری به شهر می‌دادند، کاسته شد و این رکود به تدریج موجب کاهش جمعیت و انحطاط رودان شد که زوال آن تقریباً از قرن پنجم شروع شده بود (عبداللهی‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۰).

همچنین از نظر جغرافیایی، رودان رفسنجان در منطقه خشک و کویری قرار داشت که اطراف آن و سراسر ناحیه از سمت شمال، شرق و شمال غربی را تپه‌های ریگ روان فرا گرفته بود. حرکت و جابه‌جایی این تپه‌های ریگ روان تحت‌تأثیر بادهای شدید پاییز و بهار شهر را تهدید می‌کرد. از سده هفتم به بعد این عامل باعث افول شهر و کاهش جمعیت شد که تا قرن دهم ادامه یافت. مردم که از حرکت این ریگ‌ها به ستوه آمده بودند به تدریج آنجا را ترک و به نقاط دیگر کوچ کردند. احتمالاً طوفان کم‌سابقه ریگ روان، قسمت عمده شهر را پوشاند و در خود مدفون کرد. بدین ترتیب شهر رودان (رفسنجان) از قرن نهم و دهم هجری در اثر پیشروی شن‌های روان به مرور از صفحه تاریخ محو شد (بهرامی احمدی، ۱۳۷۱: ۵۹ و ۷۳-۷۲). بنابراین به

نظر می‌رسد عوامل طبیعی (حرکت ریگ‌های روان) در کنار عوامل انسانی چون جنگل‌ها، تهاجمات، غارتگری‌ها و رویدادهای تاریخی، بزرگ‌ترین علت ناپایداری و مهم‌ترین عامل زوال رودان رفسنجان بوده است که موجب از بین رفتن آن و مهاجرت مردم شد (عبداللهی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۱۴ و ۱۷۶-۱۷۵).

با استناد به تألیفات مختلف مربوط به تاریخ ایران در قرن هشتم که از رودان کرمان (رفسنجان) یاد کرده‌اند (معلم یزدی، ۱۳۲۶: ۲۲۶؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۴۶، ۶۴ و ۱۳۲؛ حافظ ابرو، ج ۱، ۱۳۷۵: ۱۶۰، ۲۴۴، ۲۶۵ و ۴۷۹؛ همو، ج ۲: ۱۳۸۰: ۳۰۰؛ ج ۳، ۱۶۳ و ۱۷۹؛ نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۴۷؛ سمرقندی، ج ۱، ۱۳۵۳: ۲۲۷ و ۲۹۲؛ خواندمیر، ج ۳، ۱۳۳۳: ۲۸۹) از قرن دهم به بعد نامی از رودان رفسنجان در منابع نمی‌یابیم. احتمالاً بعد از مدفون شدن رودان زیر ریگ‌های روان، باقی مردم رودان رفسنجان از جمله تجار به‌خاطر تجارت یا عشایر و طوایف در جست‌وجوی مرتع برای دام یا شرایط طبیعی نامناسب منطقه خشک و کویری به نواحی اطراف مهاجرت کردند و در آن‌جا ساکن شدند. گرچه رودان رفسنجان تخریب شد و از بین رفت، ولی واژه‌های ولایت، بلوک و ناحیه یعنی منطقه رودان که شامل رودان هرمزگان هم می‌شد بخش وسیعی را در بر می‌گرفت، چرا که از رودان تحت عنوان بلوک و ناحیه هم نام برده شده است (کیهان، ج دوم، ۱۳۱۱: ۲۳۴؛ شوارتس، ۱۳۷۲: ۲۴۵).

چند سال پس از سقوط صفویان در گیرودار تاخت‌وتاز افغانه در ایران، از رودان در گزارش‌های کارکنان شرکت هند شرقی هلند یاد شده است. طبق این گزارش‌ها، در سال ۱۱۴۰ ولایت رودان با هجوم لشکر افغان مورد تاراج قرار گرفت و همچون دیگر نواحی آن حدود، بسیاری از اهالی آن به بردگی درآمدند و در بندرعباس به فروش گذاشته شدند (فلور، ۱۳۶۷: ۴۸، ۵۸، ۶۰، ۱۱۶، ۱۲۱ و ۱۳۰). در واقع، بقایای ولایت رودان که رودان هرمزگان را شامل می‌شده، پابرجا بوده است.

در دوره قاجاریه (۱۳۴۳-۱۲۱۰)، ولایت رودان به همراه منطقه احمدی، در مجموع یکی از بلوکات لارستان فارس به حساب می‌آمد. در سال ۱۲۲۶ که بندرعباس و آبادی‌های اطراف آن به سلطان مسقط به اجاره داده شد، زمینه جدایی رودان از لارستان نیز فراهم آمد. در سال‌های بعد، حاکم عرب بندرعباس با پرداخت هزینه بیشتر، رودان و احمدی را به قلمرو خود ضمیمه کرد. این وضع تا اوایل دوره ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴) ادامه داشت. اما در ۱۲۷۰ که دولت ایران خواست این مناطق را به تاجری از اهالی شیراز اجاره دهد، میان سلطان مسقط و دولت ایران جنگی در گرفت که در نتیجه آن، اعراب مسقطی از این مناطق اخراج و بار دیگر رودان احمدی به لارستان الحاق شد. در نزاع بین طرفین، قلعه کمیز رودان که اعراب مسقطی در آن پناه گرفته بودند، ویران شد (خورموجی، ۱۳۴۴، ۱۳۱ و ۱۳۶-۱۳۴؛ حسینی فسایی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۸۰۴-۸۰۱). عبدالله‌خان، پسر سردار ایروانی محمدحسن خان در ۱۲۷۰ به دستور ناصرالدین‌شاه، سپاهی به فرماندهی امام‌علی‌خان و کمک رضاقلی‌خان به رودان گسیل داشت و آن‌جا را تسخیر کرد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۹۶). در آن سال‌ها، بلوک رودان و احمدی شامل ۲۱ آبادی بود که

بر مسیر یکی از راه‌های مواصلاتی بندرعباس به شهرهای ایالت کرمان واقع بود (آبوت<sup>۲</sup>، ۱۸۵۵: ۵۴؛ اسمیت<sup>۳</sup>، ۱۸۶۷: ۲۳۳-۲۳۱؛ حسینی فسایی، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۳۴۹-۱۳۴۸). سپس رودان در ۱۲۹۱ش جزء متصرفات میرزامحمد فسائی شد (حسینی فسائی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۷۸۴).

رودان در تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ با نام دهستان رودان احمدی در استان جنوب و شهرستان عباسی قرار داشت و در ۱۳۲۳ جزء استان هشتم بندرعباس در بخش میناب بود (ایران، قانون تقسیمات کشوری ۱۳۱۶: ۵ و ۷؛ جغرافیا و اسامی دهات کشور، ج ۲، ۱۳۲۹: ۴۰۲ و ۴۱۱) و در ۱۳۲۵ رودان احمدی بلوکی در ولایت فارس بود (کیهان، ج ۲، ۱۳۱۱: ۲۳۶). سدیدالسلطنه در این باره آورده است: «احمدی و رودان سابقاً جزء بندرعباس بوده است که در روزگار وی به همراه سبعه‌جات ضمیمه فارس و جزو تیول قوام‌الملک گردید.» (ص ۲۴۶). بلوک رودان و احمدی تا اواخر دوره رضاخان پهلوی همچنین جزئی از استان فارس به‌شمار می‌رفت (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۵۸۸-۵۷۷). و در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ش رودان دهستانی در استان فرمانداری کل ساحلی بندر و جزایر خلیج فارس به حساب می‌آمد. (ایران، وزارت کشور، تقسیمات کشوری ۱۳۵۵: ۲۷، اصلاح عربانی، ۱۳۴۵: ۴۸۴). در تقسیمات کشوری آن زمان بیشترین گستره استان هرمزگان تا سال ۱۳۴۵ در محدوده استان کرمان قرار داشت. در سال ۱۳۴۶ هرمزگان از استان کرمان جدا شد. رودان در ۱۳۶۵ دهستانی در بخش رودان احمدی در شهرستان میناب و تابع استان هرمزگان بود (ایران، فهرست واحدهای تقسیمات کشوری ۱۳۶۵: ۲۰؛ رزم‌آرا، ۱۳۵۵: ۱۲۸). با توجه به اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین گستره جغرافیایی و افزایش میزان جمعیت، رودان در اسفند ۱۳۶۸ با مرکزیت شهر دهبازر به شهرستان تبدیل شد (ایران، وزارت کشور، نشریه تاریخ تأسیس عناصر و تقسیمات کشوری ۱۳۸۲: ذیل «استان هرمزگان»؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان هرمزگان، ج ۶، ۱۳۸۳: ۵). با ایجاد تغییرات جدید در دو دهه اخیر، این شهرستان اینک متشکل از چهار بخش و نیز سه شهر دهبازر، بیکاه و زیارتعلی است (وزارت کشور، نشریه تاریخ تأسیس شهرها، ۱۳۹۰: ذیل «استان هرمزگان»).

رودان به معنای رفت و آمد کردن همسایگان، آرام نگرفتن، جست‌وجو کردن زمین برای آب و علف به‌منظور فرود آمدن در آن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). این مفهوم به ویژگی عشایری و تجارت رودان اشاره می‌کند، چرا که بیشتر جمعیت رودان ایلات و عشایر کوچ‌رو بودند که به دنبال دام خود و در جست‌وجوی مرتع به بیلاق و قشلاق می‌پرداختند. رودان در فصل زمستان یکی از مناطق قشلاق برای عشایر کوچنده از استان کرمان بوده و هر ساله عشایر پهنه‌های وسیعی از این منطقه را به‌عنوان قشلاق تحت قلمرو خود دارند. عشایر کوچ‌رو شامل طوایف و تیره‌های سلیمانی، آینه‌ای، جبال بارزی، لری، بلوچ، غربا، کوهشاهی، مهنی، کماچی، سنجر، نوشادی، کوچی و قتلو هستند و از مناطق بیلاقی بردسیر، جیرفت و بافت کرمان به مناطق قشلاقی و گرمسیری رودان استان هرمزگان کوچ عمودی دارند. هم‌چنین رودان محل قشلاق ایل عرب از ایلات خمسه فارس است. چادرنشینان ایل عرب نیز بخشی از فصول سرد سال را در رودان می‌گذرانند. رودان در طول تاریخ گذرگاه قبایل مختلف از سواحل خلیج فارس به‌سوی فلات داخلی به‌ویژه کرمان بود (حسینی

فسائی، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۵۷۸-۱۵۷۶؛ دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۳، ۳۶؛ فرهنگ آبادیهای استان هرمزگان شهرستان رودان، ج ۶، ۱۳۸۳: ۲۰؛ مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کل کشور، ۱۳۷۷: ۱۶۰).

امروزه در شهرستان رودان هرمزگان، ایلات جبال بارزی، رائینی، مهنی، کماچی‌سنجر، پشتکوهی غربا و طوایف مستقل سالاری، لورک و سبزی‌بلوچ زندگی می‌کنند. وجود قبایل مشترک از جمله قرائی، کماچی سنجر، لری کوه‌پنجی، لورک، مهنی، کوهشاهی، رائینی، عرب بدوئی، غربا، بلوچ، بوجاچی، افشار، امیری کوه‌پنجی، سالاری و پشتکوهی در رودان هرمزگان و استان کرمان نیز نشان می‌دهد که ایلات رودان کرمان (رفسنجان) به نواحی ساحلی خلیج فارس و رودان هرمزگان بیلاق و قشلاق داشته‌اند و این ملاک یعنی بیلاق و قشلاق و کوچ عشایر پیوند جغرافیایی و فرهنگی این دو رودان

## رودان در سده ششم از لحاظ آبادانی و بزرگی با ابرقوه برابری می‌کرده است؛ شهری که منبر داشت و در آن خطبه می‌خواندند و نماز جمعه برگزار می‌شد. یاقوت حموی از قول اصطخری آن را ناحیه‌ای به طول شصت فرسخ (۳۶۰ کیلومتر) ذکر کرده است. در نتیجه با توجه به وسعت و گستردگی ناحیه رودان می‌توان دو رودان (رفسنجان کرمان و هرمزگان) را تقریباً نواحی مجاور یا خیلی نزدیک به هم دانست

را اثبات می‌کند (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری اقتصادی اجتماعی عشایر ۱۳۷۷: همان‌جا، ستوده، ۱۳۸۵: ۳۸، ۴۹، ۸۴، ۹۷، ۱۲۳، ۲۳۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۳۵، ۳۴۹، ۳۶۰، ۴۰۷، ۴۱۶، ۴۴۱، ۴۴۴ و ۴۸۰).

همچنین از حدود هزاره سوم قبل از میلاد میان شهرهای کویری و سواحل خلیج فارس ارتباط بازرگانی وجود داشت. عامل اصلی رونق رودان رفسنجان در گذشته نیز تجارت، واقع شدن در گذر راه‌ها و مسیرهای کاروان‌رو بود. ناحیه رودان در روزگار باستان در مسیر دو جاده مهم لاجورد (جاده ادویه) و ابریشم قرار داشت و رونق اقتصادی آن مدیون این موقعیت جاده‌ای بود. جاده انحرافی ابریشم از مرکز ایران تا خلیج فارس امتداد داشت و جاده لاجورد یکی از مهم‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل کالا و جایگاهی برای مبادلات تمدنی و فرهنگی محسوب می‌شد که بلخ و سیستان را به هم متصل می‌کرد و تا فارس ادامه داشت (بهرامی احمدی، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۳ و ۶۶-۶۵؛ عبداللهی نیا، ۱۳۸۴: ۵۸، ۵۸). در حقیقت، رودان در طول تاریخ در محل تلاقی راه مواصلاتی سه ولایت فارس، کرمان و یزد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۶۱؛

رزم‌آرا، ۱۳۵۵: ۷۴) در مسیر تجاری بین ایالت کرمان و مراکز تجاری خلیج فارس بر سر راه‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و یزد قرار داشته است (باستانی پاریزی، مقدمهٔ سلجوقیان و غز در کرمان، ۱۳۶۵: ۱۲؛ اسمیت، ۱۸۶۷: ۲۳۳-۲۳۱؛ عبداللهی نیا، ۱۳۸۴: ۲۴). همچنین جغین در بخش مرکزی شهرستان رودان هرمزگان واقع در کنار رودخانهٔ رودان، پرنطین (برنتین) کنار رودخانهٔ میناب (جعفری، ج ۳، ۱۳۶۸: ۱۷۷ و ۳۳۴) و کمیز (کومین) سه مکان تاریخی در شهرستان رودان هرمزگان هستند که در مسیر راه‌های بازرگانی هرموز کهنه به جیرفت واقع شده بودند و اقتصاد آن‌ها مبنی بر راهداری و تجارت بود که در گذشته قلعه‌هایی برای مراقبت از مسیرهای تجاری، به‌ویژه در کمیز احداث شد (خورموجی، ج ۲، ۱۳۴۴: ۱۳۴). امروزه

**از طرفی پسوند «کان» ممکن است صورت تغییر یافته‌ای از کهن به معنای قنات و کاریز باشد، چرا که از گذشته‌های دور در رودان، قنات‌های متعددی وجود داشت. همچنین برخی معتقدند «رودکان» ممکن است منسوب به رودی باشد که از کوه‌های معدن سرچشمه می‌گرفته است، همچنین «کان» اغلب به معنای معدن نیز هست و احتمالاً به دلیل وجود معادن متعدد، از جمله معدن فاریاب، کرومیت، گورگد، منگنز، پنبهٔ نسوز، گورگد، منگنز، پنبهٔ نسوز، آهن و نفت که از گذشته در این شهرستان وجود داشته، این نام به آن اطلاق شده است**

شهرستان رودان هرمزگان نیز در مسیر ارتباطی بندرعباس و میناب به کهنوج و منوجان کرمان قرار گرفته است (اطلس راه‌های ایران، ۱۳۷۴: ۱۰۳-۱۰۲). ناحیهٔ رودان جزء هرمز باستانی سپس ایالت کرمان بوده است که ایالت کرمان منطقهٔ وسیعی را تا خلیج فارس در بر می‌گرفت. رودان امروزی نیز از سمت شمال و شرق با استان کرمان هم مرز و مجاور است بنابراین موقعیت جغرافیایی، تقسیمات اداری و ایالتی آن زمان، موقعیت مواصلاتی و ارتباطات تجاری این دو رودان نشانگر تحکیم پیوند و اتحاد جغرافیایی این دو رودان در گذشته‌های دور است. طبق این شواهد احتمال اینکه این دو رودان در یک ناحیهٔ واحد و وسیع (هرمزباستانی، ایالت کرمان یا ولایت فارس) بوده باشند، تقویت می‌شود.

نام رودان که به آن رودکان نیز می‌گفته‌اند، دلالت بر وجود رودهای بسیار در این ناحیه نیز دارد. وجود رودخانه‌های مختلف، سیل‌گیر بودن منطقه و امکان طغیان سیل موجب این گونه نام‌گذاری‌ها شده و نشانگر عصری از تاریخ است که در این منطقه اندیشهٔ احترام به آب، پرستشگاه‌های متعدد از آن‌هیئت، ایزد آب، باران و فراوانی وجود داشته است (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۲۵). در گویش بومی نیز رودان را رودن<sup>۵</sup>

می‌گویند که معنای آن همان رودان یا رودها و جمع رود است. رود رودان از جمله رودهای مهم این ناحیه، تنها رود دائمی شهرستان رودان هرمزگان است که از حوضهٔ سریش - بندرعباس خلیج فارس و دریای عمان به طول ۴۰ کیلومتر از کوه سروستان در ۸۴ کیلومتری شمال غرب کهنوج سرچشمه گرفته، در جهت شمال شرق به جنوب غرب در شهرستان رودان جریان دارد و به رود میناب می‌ریزد. رود جغین رود دیگری است که در شهرستان رودان جریان دارد و به رود میناب می‌پیوندد (فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۴، ۱۳۸۴: ۲۲؛ جعفری، ج ۲، ۱۳۶۸: ۲۴۲؛ معتمدی، ۱۳۸۰: ۵۹). از شعبه‌های رودخانهٔ رودان، کندر، بهادرک، سرکهنان، شور، رهبران و زوئیه است. علاوه بر رود، قنات و چاه‌ها از دیگر منابع آبی این شهرستان هستند که برای کشاورزی استفاده می‌شوند (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ج ۱۲۳، ۱۳۶۲: ۸۸-۸۷). رودان به برکت زمین حاصل‌خیز، بر خورداری از طبیعتی سرسبز و آب فراوان رودخانه‌ای که از میان آن می‌گذرد، از دیرباز مورد توجه بوده است و به همین دلیل نیز مکان‌های زیستی در آن شکل گرفته‌اند، الف و نون نشان‌آبادانی و جایی است که آب و میوهٔ فراوان دارد (بهرامی احمدی، ۱۳۷۱: ۴۲).

از طرفی پسوند «کان» ممکن است صورت تغییر یافته‌ای از کهن به معنای قنات و کاریز باشد، چرا که از گذشته‌های دور در رودان، قنات‌های متعددی وجود داشت. همچنین برخی معتقدند «رودکان» ممکن است منسوب به رودی باشد که از کوه‌های معدن سرچشمه می‌گرفته است، همچنین «کان» اغلب به معنای معدن نیز هست و احتمالاً به دلیل وجود معادن متعدد، از جمله معدن فاریاب، کرومیت، گورگد، منگنز، پنبهٔ نسوز، آهن و نفت که از گذشته در این شهرستان وجود داشته، این نام به آن اطلاق شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «کهن»؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ج ۱۲۳، ۱۳۶۲: ۱۷-۸۸؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها، ج ۲، ۱۳۸۳: ۲۲؛ معتمدی، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۰؛ عبداللهی نیا، ۱۳۸۴: ۲۲).

علاوه بر این دو رودان، «رودان» نام شهری کوچک در سیستان است که در بین راه سراوان به بُست واقع بود (اصطخری، ۱۹۲۷: ۲۳۸، ۲۴۸؛ حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۰۴). «رودان» همچنین نام روستایی در ولایت خوارزم است (یاقوت حموی، ۱۸۶۶: ذیل موضوع).

### نتیجه‌گیری

مطالعهٔ جغرافیای تاریخی مناطق و شهرها، امکان شناخت توان‌های بالقوه و بالفعل آن‌ها در گذشته را به‌منظور احیا، برنامه‌ریزی و استفاده از پتانسیل این مکان‌ها فراهم می‌کند. در این مطالعه، ملاک‌های طبیعی و انسانی نظیر شرایط جغرافیایی و طبیعی، آب و هوا، منابع آب، رود، کوه، مراتع، مهاجرت، کوچ عشایر، وجود نام‌ها، ایلات و گویش مشابه در دو رودان نشان می‌دهد که این دو رودان، یعنی رودان رفسنجان و رودان هرمزگان، به‌ویژه به دلیل موقعیت جغرافیایی و مواصلاتی از دیرباز، ارتباطات تجاری، مراودات فرهنگی، اتحاد و پیوستگی جغرافیایی و تاریخی داشتند. شرایط نامناسب طبیعی و کویری، حرکت ریگ‌های روان و خشکی اقلیم رودان رفسنجان موجب مهاجرت تدریجی مردم به اطراف و احتمالاً رودان هرمزگان شده است. همچنین خصلت عشایری مردم، کوچ و بیلاق - قشلاق عشایر کرمان به رودان نیز موجب سکونت تدریجی آن‌ها در رودان هرمزگان شده

است. بنابراین شواهد و مدارک نشان می‌دهد که از گذشته‌های دور بین دو رودان پیوند جغرافیایی - تاریخی و فرهنگی وجود داشته است، به طوری که این دو رودان تحت تابعیت و تقسیمات اداری و ایالتی یک منطقه جغرافیایی هرگز باستانی، ایالت کرمان یا فارس بودند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Bosworth
2. Abbott
3. Smith
4. Rudon

#### منابع

۱. ابن بلخی (۱۳۷۴). فارسنامه ابن بلخی، براساس متن مصحح سستبرغ و نیکلت. به کوشش منصور رستگار سنایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
۲. ابن حوقل، (۱۹۳۸). صورةالأرض، چاپ کرمانس، لیدن.
۳. ابن فقیه، احمد بن محمد همدانی (۱۹۶۷). مختصر البلدان، لیدن، طبع بریل.
۴. اصطخری، محمد بن یحیی (۱۳۷۱). فرماندهان کرمان. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران.
۵. ادریسی، محمد بن محمد (۱۴۰۹). نزهة المشتاق فی اختراق الأفاق، بیروت.
۶. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۸). مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران: مجلس.
۷. اطلس جامع گیتاشناسی (۸۸ - ۸۷) (۱۳۸۷). مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۸. اطلس راه‌های ایران (۱۳۷۴). سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۹. اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۲۷). المسالك و الممالک، بیروت.
۱۰. اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۴۵). راهنمای شهرهای ایران، تهران.
۱۱. ایران، وزارت کشور، (۱۳۱۶). قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران، تهران.
۱۲. ایران، وزارت کشور (۱۳۵۵). تقسیمات کشوری.
۱۳. ایران، وزارت کشور (۱۳۶۵). فهرست واحدهای تقسیمات کشوری.
۱۴. ایران، وزارت کشور (۱۳۸۲). نشریه تاریخ تأسیس عناصر و تقسیمات کشوری.
۱۵. ایران، وزارت کشور (۱۳۸۵). نشریه عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری.
۱۶. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۴). «برزکوه»، مجله هنر و مردم، تیر و مردادماه، شماره ۱۵۴-۱۵۳، ص ۱۸۳-۱۷۰.
۱۷. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۵). وادی هفت‌واد، بخشی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان، ج نخست، دانشگاه تهران.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۸۶۶). فتوح البلدان، لیدن.
۱۹. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۷۱). «شهرهای گمشده». پژوهشی در جغرافیای تاریخی رفسنجان، تهران.
۲۰. یازوکی طرودی، عبدالکریم و شادمهر، ناصر (۱۳۸۴). آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی، تهران.
۲۱. جعفری، عباس (۱۳۶۸). رودها و رودنامه‌های ایران. ج دوم، تهران: گیتاشناسی.
۲۲. جعفری، عباس (۱۳۶۹). کوه‌ها و کوهنامه‌های ایران. ج سوم، تهران: گیتاشناسی.
۲۳. جغرافیا و اسامی دهات کشور (۱۳۲۹). ج ۲، وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت احوال، ج ۲، استان‌های ۷، ۶، ۵ و ۸. تهران.
۲۴. حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۷۵). جغرافیای حافظ ابرو، تهران.
۲۵. همان (۱۳۸۰). زبده التواریخ. تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی. تهران.
۲۶. حدودالعالم من المشرق الی المغرب (۱۳۴۰). چاپ منوچهر ستوده، تهران.
۲۷. حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. چاپ منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
۲۸. خلیط، سعید (۱۳۳۰). تذکره الاولیاء یا مدارات کرمان. محرابی کرمانی، سیدمحمد هاشمی کرمانی، و حسین کوهی. تهران.
۲۹. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۳۳). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر. چاپ محمد دبیر سیاقی. تهران.
۳۰. خرموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). حقایق الاخبار ناصری. چاپ حسین خدیوچم، تهران.
۳۱. رزم آرا، حسینعلی (۱۳۵۵). فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها). تهران، ۱۳۳۹-۱۳۳۸.
۳۲. دمشقی، عبدالله (۱۸۶۵). نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، طبع فی مدینه بطربوع

المحروسة فی مطبعة الأكاديمية الامبراطورية.

۳۳. دومورینی، گوستاو (۱۳۷۵). عشاير فارس (اصلاحات اداری). ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر. تهران.
۳۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران.
۳۵. صدقاتی، محمد (۱۳۹۱). «تعیین حدود مغستان، خاستگاه ملوک هرموز». پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، سال چهارم، شماره سوم، پیاپی، ۱۵، پاییز، صص ۹۶-۸۶.
۳۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ طبری. بیروت.
۳۷. عبدالله‌نی، علی (۱۳۸۴). تاریخ رفسنجان، کرمان. مرکز کرمان شناسی.
۳۸. سدیدالسلطنه، محمدعلی‌خان (۱۳۷۱). سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان درصد سال پیش (۱۳۳۲-۱۳۲۴ ق)، مغافی التالی و منار الیالی، به کوشش احمد اقتداری. تهران.
۳۹. سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی (۱۳۶۳). بندرعباس و خلیج فارس «اعلام الناس فی احوال بندرعباس». چاپ احمد اقتداری، تهران.
۴۰. ستوده، منوچهر (۱۳۴۰). نامنامه ایلات و عشایر و طوایف. تهران مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴۱. سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۵۳). مطلع‌مسعبدین و مجمع بحرین. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران.
۴۲. شاه بلخی، محمد بن خاوند (۱۳۷۳). روضةالصفاء ج ۴، ۵ و ۶. شاه بلخی معروف به میرخوند تلخیص عباس زرناز. تهران.
۴۳. شورانس، پااول (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکانوس جهانمندی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴۴. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۳). ج ۱۲۳، میناب. تهران.
۴۵. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان هرمزگان (۱۳۸۳). ج ۶، شهرستان رودان. تهران.
۴۶. فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور (۱۳۸۴). ج ۴. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴۷. فلور، ویلم (۱۳۶۷). «شرف افغان بر تختگاه اصفهان (روایت شاهدان هندی)». ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: کیهان.
۴۸. مسعود (۱۳۱۱). جغرافیای مفصل ایران، ج دوم. تهران.
۴۹. فرمانفرما، فیروز میرزا (۱۳۸۰). سفرنامه کرمان و بلوچستان، تهران: اساطیر.
۵۰. فروزینی، زکریا (۱۹۹۸). آثار البلاد و اخبار العباد قزوینی، بیروت.
۵۱. کنی، محمود (۱۳۶۴). تاریخ آل مظفر، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲. تهران.
۵۲. مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کل کشور ۱۳۷۷.
۵۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۲). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی استان هرمزگان، ۱۳۸۲.
۵۴. مستوفی باقی، محمد مفید (۱۳۸۵). جامع مفیدی، تصحیح ایرج افشار. تهران.
۵۵. معتدلی، عبدالهادی (۱۳۸۰). رودان، بهشت جنوب، بندرعباس.
۵۶. مقدسی، محمد بن احمد (۱۸۷۷). احسن التقاسیم فی معرفةالاقالیم. چاپ و خوبه، لیدن، ۱۸۷۷.
۵۷. معلم یزدی، معین‌الدین بن جلال‌الدین محمد (۱۳۲۶). مواهب الیهی در تاریخ آل مظفر. تصحیح سعید نفیسی. تهران.
۵۸. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲). سمط‌العلی للحضرةالعلیاء به کوشش عباس اقبال و محمد قزوینی. تهران.
۵۹. بی‌نام (۱۳۵۵). تاریخ شاهی. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران.
۶۰. نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳). منتخب التواریخ معینی. تصحیح پروین استخری. تهران.
۶۱. وزارت کشور (۱۳۹۰). نشریه تاریخ تأسیس شهرها. ۱۳۹۰ ش، ذیل «استان هرمزگان».
۶۲. همان، نشریه تاریخ تأسیس شهرستان‌ها. ۱۳۹۰ ش، ذیل «استان هرمزگان».
۶۳. یاقوت حموی (۱۸۶۶)؛ معجم‌البلدان، چاپ فردیناند و و سنتفلد لایپزیگ، ۱۸۷۳-۱۸۶۶.
۶۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق. تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا.
65. Abbott K. E (1855), "Geographical Notes, taken during a Journey in Persia in 1849 and 1850", Journal of Royal geographical society of London, V. 25, London.
66. Bosworth C. Edmund(1996), The new Islamic dynasties: A chronological and genealogical manual, Edinburgh.
67. Smith EUAN(1867), "Perso-Baluch Frontier mission, 1870, 1871", Eastern Persia: An Account of the Journeys of the Persian Boundary Commission, 1870-71-72, Vol.1, London 1876.